



«اولین مجموعه سروده هایم را "آه نارسا" عنوان کردم. آهی که برداشت‌ها و دیدنی‌های زندگی را با زبان قصیرم به نظم گویا و در وجود الفبا خوانا ساخته است، آهی که من توقع انعکاس یک فریاد را از آن ندارم. ولی با وجود همه نارسایی‌ها توشه زندگی و آشیانه متواضع پرندۀ احساسم هست، که آنرا به هموطنان عزیزتر از جانم تقدیم می‌نمایم...»
شیما غفوری

«آه نارسا»

مجموعه اشعار پوهندوی شیما غفوری

شناسه کتاب:

عنوان: آه نارسا (مجموعه اشعار)

شاعر: شیما غفوری

ناشر: غفوری

تاریخ چاپ و انتشار: سال ۱۳۹۳ خورشیدی، ۲۰۱۴ میلادی

محل چاپ: کابل، افغانستان

طراح روی جلد: بلقیس غفوری دوست

شمار صفحات: ۱۵۲

تیراژ: ۱۰۰۰

سخنی در مورد رسایی های «آه نارسا»

تقریظ زیبا و ادیبانهٔ محترم مسعود فارانی، خوانندهٔ بی‌باک را که با شاعر، نویسنده و فعال حقوق زن پوهندوی شیما غفوری از نزدیک آشنایی نداشته باشد میتواند در شگفت خصوصیات دوست داشتنی شاعر، با یکی از مهمترین و اما همزمان هم کمیابترین جوهر انسانی یعنی شکسته نفسی در اوج به رسیدن و توانستن این زن افغان، بنوع دلپذیر آشنا بسازد.

در ارتباط به زندگینامهٔ شاعر این سروده‌ها، در بخش تقریظ چنین آمده است: « نحوهٔ نوشتن زندگینامهٔ خانم غفوری را اگر دقت کنیم خود پدیدهٔ بی ادبی بسیار زیباست که با بیان صمیمیت دور از بلند پروازی‌های تصنعی استوار بر واقعیت تحریر یافته که بنظر بنده میتواند در بخش بیوگرافی نویسی در کشور جایگاه خاص را دارا باشد.»

آنچه را که شیما غفوری در این مجموعه تحت عنوان " شرایط زندگی و اثرات آن بالای سروده‌هایم " برشتهٔ تحریر در آورده است، برای من که افتخار آشنایی نزدیک با او را دارم، خود یکی از زیباترین بخش در فهمیدن بیشتر معجون تفکر و چگونگی شکل یافتن شخصیت و توان او در برداشتن قدمهای بلندش در زندگی میباشد.

از زندگینامه خواننده میتواند درک نماید که دو مورد بخصوص امکان بهترین آغاز و چانس ادامهٔ موفق در زندگی را برای شاعر این سروده‌ها امکانپذیر ساخته است و این همانا یکی متولد گردیدن او در یک خانوادهٔ ی تعلیم یافته و منور و دیگرش داشتن همچو یک همسر و شریک زندگی او میباشد.

شیما غفوری این مجموعهٔ سروده‌ها را تقدیم به دو انسان مهم زندگی اش یعنی شادروان پدرش و دیگر خوشبخت همسرش نموده و از این اقدام او میتوان دلیل تلاش و پیکار خستگی ناپذیر او را در نقش فعال حقوق زن، در خدمت به روشنگری و در دفاع از حق آن خواهران افغان دریافت که چون او از این دو سعادت بزرگ در زندگی شان بهره مند نبوده اند.

نویسندهٔ این اشعار زیبا، در سنین کودکی با ذهن بیدار و حساس متوجه بیعدالتی‌ها در زندگی انسانهای دور و پیش خویش گردیده و ژرفنگری‌های کودکانه او در طرح " چراها " و کوشش در فهمیدن جواب به سوالاتش، منجر به آغاز یک غنای عاطفی در بیان اندیشه‌هایش در قالب شعر گردیده و این توانایی بیان عاطفی، خود در شکل‌گیری یک روان بیدار، پرتلاطم و قوی، برای جهش و پرش از امواج طوفانی سالهای بعدی زندگی در وطن سهم موثر را ادا نموده و مقاومت او را در فصلهای زندگی اش در هجرت از وطن یاری رسانیده است.

شیما غفوری در فراز و نشیب های زندگی از زمان کودکی الی موقف یک زن دانا و آگاه افغان، برعکس بسیار انسانهای دیگر، از کنار حوادث غرق در خویش بیتفاوت نگذشته است. مجموعه آه نارسا، گویای مراحل تفکرات و تحلیلات روانی و انعکاس کشمکش های فکری و فلسفی نویسنده از خاطرات تماس های زنده ی او با مردم و بیان درد و الم قهرمانان گمنام گذشته و حال بخصوص زنان و دختران وطنش میباشد.

آنچه شیما غفوری را برای من یک انسان ارزشمند و یک دوست خوب برای زندگی میسازد اینست که، مهمترین بخش تفکر او چه در محتویات اشعارش و چه در عملکرد روزمره اش، حاوی جوهر محبت، گذشت، بخشش، همدلی و مهری میباشد. او انسانها و قصه های شانرا پیشداوری نمینماید و خوشبینانه معتقد بر آنست که "حلقه های وصل کننده ملت ما در اساس جامعه هنوز پا برجاست و اگر جبراً آنها از هم جدا ساخته نشوند، در آینده نیز پا بر جا خواهند ماند" و توانسته است زیبایی این خصوصیات باشندگان مرز و بوم را در اشعارش انعکاس بدهد.

موفقیت های او از کسب بهترین نمرات در طول زندگی تعلیم و تحصیل، دریافت مدال ها، و القاب الی موقف ثابت و قابل افتخار او در نقش رئیس انجن مدد رسانی زنان افغان در شهر ماربورگ آلمان، قصه اعجاب و شگفت قدمهای بلند زندگی یک زن افغان است که از آغاز تا این لحظه استوار بر پای نظر و عمل و به قیمت آسایش زندگی شخصی اش، کوشیده است صادقانه و صبورانه رسالت انسانی اش را در قبال نوع بشر و بخصوص هموطنانش انجام بدهد.

سروده های کتاب "آه نارسا" صمیمیت و زیبایی امواج عواطف لطیف این شاعر واقع بین را در مراحل مختلف برداشت های روانی اش، مروارید گونه به رشته تحریر در آورده است. او نیروی محرکش را در زندگی با اشاره به این شاه فرد حضرت ابوالمعانی بیدل انتخاب نموده است:

گر تو میدانی که در دلها خداست

پس ترا تعظیم هر دل مدعاست

دوست عزیز من شیما جان غفوری!

داشتن تو برای من شادمانی قلبی و اطمینان خاطر را باعث گردیده است. به عنوان یک زن افغان و همسنگر، موقف انسانی ترا در همه جهات و بخصوص در نقش فعال حقوق زن ارج گذاشته و سپاسگزارم از اینکه با فرستادن این اثر زیبایت به من، مرا افتخار بخشیده ای.

مجموعهٔ زیبای آه نارسا جای خاص خویش را در ردیف کتاب های محبوب من کسب نموده است. آرزومندم تا زندگی فرصت آنرا برای ما میسر بسازد که بتوانیم آه نارسا را به فریاد رسا مبدل بسازیم و روزی شاهد خوشبخت عدالت در سرزمین ما گردیم.

از میان سروده های زیبای این کتاب، این دو سروده را به معرفی برمیگزینم:

مکر روزگار

این پردهٔ مکر و ظلم گر پاره شود
نوری ز صفای عشق در خانه شود
در ظلمت تزویر همه کور شدیم
کی فرق میان خود و بیگانه شود
در ریش و قبا و عمل شیخ زمان
ظاهر به نماز و خفیه میخانه شود
هیئات که دین امتعه یی گشته عیان
از دست به دستی به سر شانه شود
" شیما" دل خود آئینهٔ حق گردان
ورنه چو دل شیخ ریا خانه شود

آه نارسا

خجل گشته گلوی من ز تقصیر صدا امروز

که دارد شور بی تاثیر و آه نارساه امروز
اگرچه بحر ها شیون، نهفته سینه از گردون
چه سازم در کتبم قطره ای شد خود نما امروز

پایان

زرغونه عبیدی